

## Search for Mēhr in *Gāhān*

Mina Kambin

Ph. D. in Ancient Culture and Languages of Iran, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: minakambin@yahoo.com

### Abstract

"Mēhr" is one of the most significant deities in Zoroastrianism, receiving as much praise as Ahuramazda in the Mēhr Yašt. Indeed, Mēhr was a great god venerated before the emergence of Zarathuštra. However, his absence in the *Gāhān* has been a topic of discussion among scholars. It has been suggested that Zarathuštra relegated other deities to inferior positions below Ahuramazda. Although some researchers believe that Zarathuštra only remained silent about Mēhr. In this research, we aim to explore Mēhr's characteristics in other parts of the *Avesta* to determine whether Zarathuštra disregarded Mēhr or acknowledged him. To achieve this goal, we have meticulously examined certain stanzas from the *Gāhān* and Mēhr Yašt to identify Mēhr's attributes and find personages with similar characteristics in the *Gāhān*. We also use *Veda* in which ušas is similar to Mēhr. Ultimately, we find some passages in the *Gāhān* that likely refer to Mēhr. These references are related to the bull, a sacred creature in the *Avesta*, which symbolizes light and brightness, as well as wisdom and knowledge Mēhr, too, embodies light and brightness, and is connected to the bull. Consequently, we can conclude that Zarathuštra indirectly refers to Mēhr in his poetry. This desk research is descriptive and analytical in nature.

**Keywords:** Mēhr, *Gāhān*, Mēhr yašt, *veda*, ušas

---

**Received Date:** 28 November 2023

**Revise Date:** 17 February 2024

**Accepted Date:** 22 February 2024

<https://doi.org/10.22034/aclr.2024.2021101.1102>



## جستجوی ایزد مهر در گاهان

مینا کامبین

دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،  
تهران، ایران. minakambin@yahoo.com

### چکیده

ایزد «مهر» یکی از مهمترین ایزدان زردشتی است که در مهر یشت به اندازه اهوره‌مزدا قابل پرستش توصیف می‌شود. به همین دلیل عدم حضور او در گاهان مورد بحث بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. با توجه به این که در گاهان عباراتی یافت می‌شود که شباهت زیادی به توصیف مهر دارد و با در نظر داشتن زبان رمزی گاهان این پژوهش در نظر دارد خصوصیات مهر و نیز رمزهای گاهان را مورد بررسی قرار داده تا پاسخی برای این پرسش پیدا کند که آیا زردشت «مهر» را نادیده گرفته و یا او را مورد پذیرش قرار داده است. به این منظور پس از تحلیل دقیق متن گاهان و مهر یشت و پیدا کردن شخصیت‌هایی با ویژگی‌های مشابه در هر دو متن، در پایان خواهیم دید که رمزهایی در گاهان یافت می‌شود که با گاو در ارتباط است و گاو نیز با نور، روشنایی، خرد و دانایی در ارتباط است. مهر نیز خود نور و روشنایی است و با گاو در ارتباط است. پس احتمالاً استفاده از آنها به منظور اشاره به این ایزد بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زردشت مهر را در اشعار خود مد نظر داشته است. منابع این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

**کلید واژه‌ها:** مهر ایزد، گاهان، مهر یشت، ود، اوشس

---

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۹/۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۳

## مقدمه

«مهر» یکی از بزرگترین ایزدان دستگاه ایزدی زردشتی است. او از چنان جایگاه والایی برخوردار است که اهوره مزدا در مهر یشت او را همانند خود قابل ستایش و پرستش می‌داند. پرستش او به دوران پیش‌زردشتی و دوره ودایی باز می‌گردد که به صورت دوگانه میتره-ورونه (mitra-varuṇa) مورد پرستش بوده است. یشت دهم/وستا به این ایزد اختصاص دارد و در همین یشت است که با خویشکاری‌های او، که طیف وسیعی از توانایی‌ها را شامل می‌شود، آشنا می‌شویم. به دلیل همین گستردگی خویشکاری‌های مهر است که برای او مفاهیم مختلفی قائل شده‌اند. نیبرگ بر این باور است که او در درجه نخست ایزد آسمان شب و همچنین خدای جنگ بوده و به همین سبب زردشت با او به کشمکش پرداخته است (Nyberg, 1938/2003, pp. 61, 64). هومباخ نیز باور دارد که نزد زردشت میتره ودایی دقیقاً همان دئو و برابر با مهر ایرانی بوده، او حتی باور دارد که زردشت از به زبان آوردن نام دئو خودداری کرده چرا که برای او تابو بوده است (Humbach, 1960, p. 254). اما بویس این فرضیه را رد کرده و بر این باور است که زردشت الاهیات و ایزدان اصلی دین کهن ایرانی پیش‌زردشتی را نگاه داشته است (Boyce, 1969, p. 34) با این حال امروزه اکثر پژوهشگران باور دارند که در گاهان نامی از این ایزد برده نشده است.

اما زبان رمزی و استفاده از واژگانی غیر از عنوان اصلی برای برخی از عناصر مقدس به ما این اجازه را می‌دهد که در جستجوی عنصری دیگر در مفهوم مهر باشیم. به عنوان مثال در گاهان از «هوم» مستقیماً نام برده نمی‌شود، اما از صفت او که «دوردارنده مرگ» است در یسن ۳۲ بند ۱۴ سخن به میان آمده است:

saocaiiaṭ auuō yē dūraoṣəm (Y. 32/ 14, c)

آنکه دوردارنده مرگ (هوم) را می‌سوزاند

اینسler dūraoṣəm را «هوم» ترجمه می‌کند (Insler, 1975, p. 49) هومباخ نیز این واژه را اشاره به «هوم» دانسته است (Humbach, 1991, Vol, 2, p. 89). بنابراین غیر ممکن نیست که به مهر نیز اشاره غیر مستقیمی شده باشد. در این راستا پرسشی مطرح می‌شود که در کجا و یا به چه شکلی ممکن است ایزد مهر به زبانی رمزی مطرح شده باشد که تا کنون از چشم پژوهشگران دور مانده است؟ فرض ما بر این اصل استوار است که ایزد مهر که با نور، روشنایی و روز ارتباط دارد باید در بین بندهایی که به روز و روشنایی روز اشاره می‌کند، پنهان شده باشد. با بررسی

دقیق این بخش‌های گاهان به عباراتی بر می‌خوریم که از سوئی با روز و روشنایی ارتباط دارند، از سوئی با گاو و از سوئی دیگر با خرد و دانایی و در خواهیم یافت که این عبارات شباهت‌هایی با مهر در مهر یشت دارند و به دنبال آن فرضیه‌ای مطرح می‌شود که شاید منظور از این عبارات اشاره به ایزد مهر باشد. برای مشخص شدن صحت این فرضیه نیاز است که متن گاهان، به ویژه در بندهایی که از روشنایی، گاو و خردمندی یاد می‌شود موشکافانه‌تر مورد بررسی قرار گیرد تا با توجه به ویژگی‌هایی که در مهر یشت برای ایزد مهر بیان شده است بتوان رد پای احتمالی این ایزد را یافت.

لازم به ذکر است که گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

### پیشینه پژوهش

مهر همواره مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده به همین سبب پژوهش‌های زیادی در مورد مهر موجود است. نیبرگ (1938) در کتاب *دین‌های ایران باستان* بخشی را به این ایزد اختصاص داده و هر یک از خصوصیات و خویشکاری‌های او و ایزدان همراهش را برشمرده است (Nyberg, 1938/ 2003, pp. 52-88).

دومزیل (1940) در کتاب *Mitra-Varuna An Essay on Two Indo-European Representations of Sovereignty* میتره-ورونه (mitra-varuṇa) ودایی را با سایر ایزدان مشابه در فرهنگ‌های دیگر هندواروپایی قیاس کرده، او به غیبت مهر در گاهان و نیز اهوره بودن مهر اشاره کرده، او همچنین با تکیه بر جشن نوروز و مهرگان که یکی به اهوره‌مزدا و دیگری به مهر متعلق است این دو را متضاد یکدیگر دانسته و با میتره-ورونه ودایی قیاس کرده است و نتیجه می‌گیرد که اهوره‌مزدا با ورونه مرتبط است (Dumézil, 1940, 91-94).

هومباخ در مقاله‌ای با عنوان "Der Iranische Mithra als Daiva" نام مهر را به معنی پیمان دانسته و اشاره به صرف جمع واژه Miθra در بند ۵ یسن ۴۶ به معنی پیمان می‌کند، او همچنین به متنی از پلوتارک اشاره می‌کند که درباره پیشکشی به انگره‌مینو سخن گفته و آن را در اصل قربانی برای مهر می‌داند (Humbach, 1960, pp. 254, 256).

بی شک یکی از مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته در مورد مهر ترجمه مهر یشت از گرشویچ (1967) با عنوان *The Avestan Hymn to Mithra* است که در مقدمه مفصلی که بر آن نوشته

توصیفات مهر را در مهر یشت برشمرده و او را ایزد «نگهبان پیمان» دانسته است (Gershevitch, 1967, pp. 26-44).

بویس (1969) در مقاله‌ای با عنوان “On Mithras Part in Zoroastrianism” ایزد مهر را در دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی و در گاهان بررسی کرده و فرضیه دشمنی زردشت با این ایزد را رد می‌کند، او باور دارد که مهر در همه دوره‌ها به عنوان ایزدی پر قدرت بین ایرانیان حضور داشته است (Boyce, 1969). برگردان فارسی این مقاله در کتاب مهر در ایران و هند باستان موجود است.<sup>۱</sup> بویس همچنین در کتاب *A history of Zoroastrianism* بخشی از فصل دوم را به توضیح درباره مهر اختصاص داده است. او هیچ یک از معانی پیشنهادی برای مهر را راضی کننده ندانسته زیرا به باور او هیچ واژه‌ای به تنهایی نمی‌تواند مفهوم مهر را به درستی منتقل کند، او ضمن توضیح درباره ویژگی‌ها و خویشکاری‌های مهر در مهر یشت/وستا، آتش را نماینده مهر دانسته و بین مهر، عنصر آتش و نیز آفتاب پیوندی نزدیک می‌بیند و او را محافظی برای عمل قربانی می‌داند (Boyce, 1975, pp. 27-32).

اما لنتس در مقاله‌ای با عنوان “The social function of the Old Iranian Mithra” مفهوم پیمان را رد کرده و مفهوم «تقوی» را در این واژه مستتر می‌داند او همچنین باور دارد فرضیه «دشمنی زردشت با مهر» بی اعتبار است (Lentz, 1970, pp. 253, 254). این مقاله به فارسی نیز ترجمه و در کتاب مهر در ایران و هند باستان منتشر شده است.<sup>۲</sup>

دوشن گیمن نیز در کتاب مشهور خود دین ایران باستان درباره مهر ایرانی توضیح داده، او معنی پیمان را ناکافی دانسته است و «میتره-اهوره» (mitra-ahura) اوستایی را با «میتره-ورونه» (mitra-varuna) ودایی قیاس می‌کند، او «مزدا» را جایگزین میتره دانسته و باور دارد که اهوره‌مزدا این ایزد را در خود گرفته و به همین دلیل در گاهان اثری از نام او یافت نمی‌شود (Duchesne-Guillemin, 1973/1996, pp. 221-224).

تیمه (1957) در کتابی با عنوان *Mitra and Aryaman* به توضیح درباره میتره ودایی در ریگ ودا و مهر اوستایی در مهر یشت پرداخته است و نظرات پژوهشگرانی چون دومزیل و لومل و میه را درباره مهر بررسی کرده است. او در این کتاب نه تنها واژه miθra را به معنی پیمان -قرارداد-

<sup>۱</sup> نک. بویس، مری. ۱۳۸۴. نقش مهر در دین زردشتی. ترجمه احمدرضا قائم مقامی. مهر در ایران و هند باستان. ویراستار ب. عالیخانی. تهران: ققنوس. صص ۱۰۱-۱۴۲.

<sup>۲</sup> نک. لنتس، ولفگانگ. ۱۳۸۴. کارکردهای اجتماعی میتره ایران باستان. ترجمه سیروس نصرالله زاده. مهر در ایران و هند باستان. ویراستار ب. عالیخانی. تهران: ققنوس. صص ۸۱-۱۰۰.

و ایزد miθra را تشخیص یافته آن می‌داند بلکه همه مهر یشت را در مورد پیمان تلقی می‌کند (Thieme, 1957, p. 25). او همچنین ارتباط مهر با نور و روشنایی را مردود دانسته و این اشتباه را ناشی از تصور پیوند طبیعی عناصر روحانی با نور می‌داند و باور دارد شخصیت مهر در اشعار مهر یشت چنین ارتباطی را نشان نمی‌دهد (Thieme, 1957, p. 35) و باز همو در مقاله‌ای با عنوان "The Concept of Mitra in Aryan Belief" که به فارسی نیز ترجمه و در کتاب *مهر در ایران و هند باستان* منتشر شده است<sup>۱</sup>، مجدداً مهر را در معنی ایزد پیمان معرفی می‌کند (Thieme, 1975). اما خوندا در مقاله‌ای با عنوان "Mitra in India"، میتره (mitra) و ورونه (varuṇa) را یک مفهوم واحد در نظر گرفته و وحدت آن دو را در عین دویی یکی از خصوصیات فلسفی هندواروپاییان دانسته است، او در این مقاله مجموعه‌ای از صفات این ایزد را در *ودا* شرح داده و و نه تنها مفهوم ایزد پیمان را که تیمه برای آن قائل است رد کرده بلکه برای این ایزد مفهومی گسترده و ایجاد کننده روابط درست و به سامان در یک جامعه قائل می‌شود (Gonda, 1975). این مقاله نیز به فارسی ترجمه و در کتاب *مهر در ایران و هند باستان* منتشر شده است<sup>۲</sup>. عالیخانی در مقاله‌ای با عنوان «سهروردی و مهر ایزد» مضامین سخنان سهروردی و مهر یشت را بسیار به هم نزدیک دانسته و با توجه به نظرات سهروردی درباره عشق به این نتیجه می‌رسد که به باور سهروردی مهر همان اصل آسمانی عشق است، عالیخانی در این مقاله به ارتباط مهر و گاو و قربانی نیز پرداخته است (Alikhani, 2003).

اشمیت در بخش "Mitra in Old Indian and Mithra in Old Iranian" از مقاله‌ای با عنوان "Mithra" تقریباً تمامی نظریات پژوهشگران مختلف درباره مهر را گردآوری، ویژگی‌های این ایزد را در مهر یشت بررسی، ایزدان همکار مهر را معرفی کرده و رویکرد پادشاهان هخامنشی درباره ایزد مهر را توضیح داده است (Schmidt, 2020).

اغلب موارد ذکر شده بیشتر به توضیح درباره شخصیت و خویشکاری‌های مهر پرداخته‌اند که به موضوع مقاله حاضر ارتباط مستقیمی ندارد. برخی دیگر نیز باور به غیبت او در *گاهان* دارند که

<sup>۱</sup> نک. تیمه، پل. ۱۳۸۴. مفهوم میتره در معتقدات آریایی. ترجمه احمدرضا قائم مقامی. *مهر در ایران و هنر باستان*. ویراستار ب. عالیخانی. تهران: ققنوس. صص. ۲۵-۵۵.

<sup>۲</sup> نک. خوندا، یان. ۱۳۸۴. میتره در هند. ترجمه عسگر بهرامی. *مهر در ایران و هند باستان*. ویراستار ب. عالیخانی. تهران: ققنوس. صص. ۵۷-۷۹.

به نظر می‌رسد می‌تواند نادرست باشد. به همین سبب نیاز است به دنبال ردپایی از این ایزد مهم در متن گاهان باشیم تا بتوانیم حضور و یا غیبت او را در این متن اثبات کنیم.

### گاو نر روزها در گاهان

در یسن ۵۰ بند ۱۰ به گاوی با صفت «رهبر روزها» اشاره می‌شود که به نظر صورت شخصیت یافته‌ای از یک عنصر مقدس است. این شخصیت با روشنایی خورشید ملازم شده است. روشنایی خورشید اینجا منظوری آشکارا متفاوت از کره خورشید را منتقل می‌کند و آن را با گاو رهبر روزها مانند کرده است:

raoca x<sup>v</sup>əŋg # asnaṃ uxšā aēuruš (Y. 50/ 10/ c)

روشنایی خورشید، گاو نر رهبر (پیش‌رو) روزها (Humbach, 1991, Vol. 1, p. 185)

uxšā را کلنز گاو نر معنی می‌کند از ماده uxšan- در حالت نهادی مفرد (Kllens & Pirart, 1990, p. 225). اینسلا احتمال داده است که منظور از گاو نر، ماه باشد اما از آنجایی که بخش نخست آن «روشنایی خورشید» است نه «کره خورشید» نمی‌توان بخش دوم آن را با ماه ملازم کرد. به نظر می‌رسد هر دو عبارت به عنصری واحد اشاره دارند که آن انوار خورشید است نه خود خورشید. به عبارت دیگر ادبیات بیت به گونه‌ایست که می‌توان «گاو نر» را استعاره‌ای برای «نور خورشید» در نظر گرفت. تشبیه انوار خورشید به گاو در ریگ ودا/ نیز سابقه دارد. در بند پنجم از ماندالای نخست، سرود ۱۲۴، که سرودی در ستایش «اوشس» ایزد سپیده‌دم<sup>۱</sup> است، می‌گوید: «در نیمه شرقی ناحیه آب‌آلود مادر گاوها نشانه خود را نموده است». جلالی نائینی اعتقاد دارد که منظور از ناحیه آب‌آلود «آسمان مه‌آلود» و مقصود از گاوها «اشعه نور» است (Jalali-Naini, 1994, p. 311). با توجه به این که این سرود به سپیده‌دم و آغاز نور و روشنایی اختصاص دارد احتمالاً این نظر درست است و می‌توانیم اینجا بین گاو و نور پیوندی بیابیم. با توجه به این پیشینه در بند ۱۰ یسن ۵۰ نیز منظور از گاو نر رهبر می‌تواند «انواری از خورشید که پیش از

<sup>۱</sup> واژه اوشس (uṣas) را سپیده‌دم معنی کرده‌اند (Monier-Williams, 1899, p. 220). صورت شخصیت یافته‌ای از ایزدبانوی سپیده‌دم است که همانند رقصنده‌ای در حالی که لباس نور بر تن دارد در شرق ظاهر شده و جامه سیاه شب و تاریکی را دور می‌کند. او جوانی است که بارها و بارها زاده می‌شود. هنگامی که بر می‌خیزد انتهای آسمان را روشن کرده و در بهشت را باز می‌کند. او همه موجودات را به حرکت وامی‌دارد و با بیدار کردن ستایشگران و روشن نگاه داشتن آتش آیینی به ایزدان خدمات شایسته‌ای ارائه می‌دهد. این ایزدبانو ارتباط نزدیکی با خورشید، که او را همچون مرد جوانی دنبال می‌کند، دارد و به همین دلیل به عنوان همسر خورشید (sūryā) شناخته می‌شود. او همچنین خواهر شب و فرزند بهشت دانسته می‌شود (Macdonell, 1917, p. 92).

خود خورشید پدیدار می شود و چون گاو نر پیشتاز گله رهبری آن را به عهده می گیرد» باشد. به عبارت دیگر می توانیم این بیت را «نخستین انوار خورشید که در روز دیده می شود» بدانیم. افزون بر آن در این بیت گاو مانند عناصر دیگر ملکوتی گاهانی شخصیت یافته است و می بایست او را بیشتر عنصری ملکوتی بدانیم تا ماه و یا خورشید. بنابراین این عبارات به گاوی اشاره می کند که پیشرو و رهبر است و اگر چه همراه خورشید است اما جلوتر از او حرکت می کند.

در بند ۳ از یسن ۴۶ نیز از «طلوع گاوان نر روزها» سخن رفته است:

kadā mazdā # yōi uxšānō asnaṃ  
aṅhēuš darəərāi # frō ašahiiā ārəntē  
vərəzdāiš səṅghāiš # saošiiantəm xratauō (Y. 46/ 3/ a, b, c)

چه هنگام آن گاوان نر روزها، ای مزدا!

بر هستی طلوع می کنند، برای نگاه داشتن اشته

با سخنان فزاینده، خردهای سوشیانتها؟ (Humbach, 1991, Vol. 1, p. 168)

این قطعه به گونه ای سروده شده است که می توانیم گاوان نر را استعاره ای برای خردهای سوشیانتها بدانیم.

در بند چهارم یسن ۴۶ نیز اشاره به طلوع گاوان در ناحیه یا سرزمین شده است که ملازم با بینش نیک می شود:

aṭ təṅg drəguuā # yəṅg ašahiiā važdrəṅg pāt  
gā frōrətōiš # šōiərahiiā vā daxiiēuš vā....  
Huuō təṅg frō.gā # paəməṅg hucistōiš caraṭ (Y. 46/ 4/ a, b, e)

اما دروند گاوان را، آن برندگان اشته را، باز می دارد

از طلوع کردن بر ناحیه یا سرزمین....

باشد که او آن گاوها را رهبران پرواز بینش نیک سازد (Humbach, 1991, Vol. 1, p. 168)

همانطور که مشاهده می شود اینجا نیز گاوها نقش رهبر دارند. آنها رهبر بینش نیک اند که به پرواز در می آیند. بنابراین این بند گاوها را با طلوع نور، اندیشه و بینش مرتبط می کند. از آنجایی که حرکت آنها به پرواز تشبیه شده می توانیم آنها را به طلوع نوری آسمانی که باعث روشنی اندیشه می شود تفسیر کنیم. چنین تعریفی در ریگ ودا/ برای اوشس آمده است. او در بند ۷ ماندالای سوم، سرود ۶۱ به «گاوی که راننده صبحهاست» تشبیه شده است (Jalali-Nāini, 1994, p. 37). نکته جالب توجه این است که در بند پنجم از همین یسن یعنی یسن ۴۶ بند ۵ واژه «میثره» به صورت صرف برایی/ ازی جمع آمده است (miθrōibiiō). اگر چه این واژه در



جستجوی مهر در گاهان ۱۰۷

اینجا شخصیت یافته نیست و به همان معنی «قرارداد یا پیمان» به کار رفته است، اما نزدیکی و قرارگیری آن بلافاصله بعد از گاوها می‌تواند یادآور ارتباط مهر (miθra) با گاوها باشد.

### مهر در مهر یشت

بند ۱۳ یشت دهم/وستا (مهر یشت) در وصف مهر است:

yō paoiriiō mainiiuuō  
taro haraṃ āsnaoiti  
pauruuā.naēmāt aməšahe  
hū yaṭ auruuāṭ.aspahe  
yō paoiriiō zaraniiō.pīsō  
srīrā barəšnava gərəβnāiti  
adāṭ vīapəm ādidāiti  
airiiō.šaiianəm səuuištō (Yt. 10/ 13)

(او) که نخستین ایزد مینوی است

(او) که به قلّه هرا نزدیک می‌شود

فراپیش آن بیمرگ (خورشید)

خورشیدی که تیز اسب است؛

(او) که نخستین کسی است که زرنگار

قلل زیبا را فرو می‌گیرد

از آنجا همه را می‌بیند

همهٔ سکنی‌های آریایی را، (آن) قوی‌ترین (Alikhani, In press)

مهر پیشاپیش خورشید حرکت می‌کند. گرشویچ نیز به این موضوع اشاره کرده و مهر را مسئول روشن کردن روز می‌داند (Gershevitch, 1967, p. 39). بنابراین «مهر» در مهر یشت نخستین انواری است که پیش از خورشید به زمین می‌رسد که به صبح صادق معروف است. این تعریف در ود/ بیشتر با اوشس هماهنگ است تا میتره. اوشس که الههٔ درخشان صبح‌گاهی است خردمند و بیدارکننده است اما نیروی خود را از میتره-ورونه (mitra-varuṇa) می‌گیرد. در پایان سرود ۶۱ ماندالای سوم، نیروی میتره-ورونه است که با درخشش و جلال به هر سو گسترده می‌شود. در سرود ۵۱ ماندالای ششم پرتو روشن و فناپذیر خورشید نیز از میتره-ورونه است (1994, p. 65). بنابراین در ریگ ود/ میتره-ورونه سرچشمهٔ نور، درخشش، علم ودانایی است و منبع آنچه که در صبحدم دیده می‌شود و اوشس نام دارد، در حقیقت میتره-ورونه است. اما مهر

اوستایی مستقل از ورونه و خود منبع آگاهی و نور ظاهر شده است. در /اوستا از اوشس صبحگاهی خبری نیست و خویشکاری‌ها و خصوصیات اوشس ودایی به مهر اوستایی منتقل شده است. در مقابل چهرهٔ میترهٔ ودایی را در مزدای گاهانی درمی‌یابیم که آشکارا در رأس قرار می‌گیرد. از سویی دیگر در بند ۳ مهر یشت «مهر»، «آتش» و «فروهرها» به ترتیب با هم ظاهر می‌شوند.

āsu.aspīm daḍaitī  
miθrō yō vouru.gaoitiš ....  
rāzištəm pantəm daḍaitī  
ātarš mazdā ahurahe (Y10/ 3)

تکاوری می‌بخشد

مهر فراخ چراگاه....

راست‌ترین راه را می‌بخشد

آتش مزدا اهوره (Alikhani, In press)

در این بند میان آتش و مهر پیوندی دیده می‌شود و از آنجایی که آتش نور هدایت به راه راست است مهر را هدایت‌کنندهٔ اصلی دانسته‌اند، چون در رأس قرار گرفته است (Alikhani, In press). اینجا می‌توانیم او را با «گاو رهبر و پیشرو» در گاهان قیاس کنیم که در کنار خورشید و پیش از او ظاهر می‌شود. دو بیت پایانی همین بند اشاره به دانایی همه‌گیر مهر است به همین سبب عالیخانی مهر را سراسر دانایی و سرچشمهٔ علم حضوری می‌داند (Alikhani, In press). ارتباط مهر با اندیشه و دانایی در ترجیع مهریشت که در ابتدای کرده‌ها تکرار می‌شود نیز هویداست. به کار رفتن صفات pərəəu.vaēiiaḍana «فراخ منظر» و axʷafna «به خواب نشدنی» در این ترجیع و صفت vispō.viḍvah «همه آگاه» در بند ۲۴ از دلایل آن است. در بند ۱۰۷ نیز هیچ انسان خاکی آسن خردی به بزرگی آسن خرد مهر ندارد:

nōiṭ mašīm gaēōim stē  
masiia hacaite āsnō xratuš  
yaēā miərəmcīṭ maiiiaom (Yt. 10/ 107)

نه هیچ انسان خاکی در هستی هست

که آسن خرد وی بزرگتر باشد

از (آسن خرد) مهر مینوی

جستجوی مهر در گاهان ۱۰۹

در مهریشت مهر پیوندی ناگسستنی با نور و روشنایی دارد. در بند ۱۴۲ مهر است که باعث روشنایی بامدادی است و روشنایی او اکتسابی نیست:

yō paoiriš vaēidiš sūrəm frāḍāiti....

....yaeā tnūm raocaiieiti (Yt. 10/ 142)

که بامدادان صور بسیار را به ظهور در می‌آورد....

....چون تن خویش را روشن می‌گرداند (Alikhani, In press)

در جای جای مهر یشت به وجود او در همه اقلیم‌ها تأکید شده است (بندهای ۱۳۳ و ۱۰۴ و ۹۵ و ۱۵ و ۱۶). گردونه و سلاح‌های مهر همه زرینه‌اند. در بند ۱۰۲ صفت او «سپید اسب» aurušāspa است. میهن او که ماوراء البرز و درخشان است (بند ۵۰)، به وسعت زمین و در همه جهان گسترده توصیف می‌شود (بند ۴۴) و از آنجا همه گیتی را می‌نگرد (بند ۵۱). همه این موارد نشانه ارتباط مهر با نور و روشنایی است به طوری که می‌توانیم او را خود روشنایی بدانیم. ارتباط میتره ودایی نیز با نور در ود/ دیده می‌شود. دومزیل نیز به ارتباط مهر با روز، روشنایی و رنگ سفید یا سرخ اشاره کرده است (Dumézil, 1976, p. 28). در نخستین بند از سرود ۱۵۶ ماندالای اول که خطاب به ویشنو است می‌گوید: «ای میترا مانند که نور تو به همه رسیده» (Jalali-Naini, 1994, p. 376). این عبارت اگر چه خطاب به ویشنو است اما گویای آن است که میترای ودایی همان نور است. در بند چهارم همین سرود آمده است که: «ویشنو دارای نیروی عالی و قدرتی است که روز را یافته و با دوست خود گاوخانه را می‌گشاید» (Jalali-Naini, 1994, p. 377). به نظر می‌رسد در این بند منظور از گاو انواری است که با آمدن روز باعث روشنایی جهان می‌شود.

ارتباط مهر با گاو در آیین‌های مزدیسنا نیز مشهود است. گرز آیینی گاو سر را، که در مراسم آیینی تشریف استفاده می‌شود، نشانی از استفاده گرز مهر علیه دیوان دانسته‌اند و جالب آنکه گرز را بر روی زمین رو به سوی شرق که مکان طلوع خورشید است قرار می‌دهند، از سویی دیگر اعمال عبادی مهر در جزء نخست روز از بامداد تا نیمروز انجام می‌شود زیرا آیین‌های هاونگاه تحت اختیار مهر هستند (Boyce, 1969, pp. 26-27). شاید ظهور گاو نالان یسن ۲۹ در بند ۳۸ و ۸۵ مهر یشت نیز از همین ارتباط سرچشمه گرفته باشد چرا که مهر صاحب چراگاه‌های فراخ است و به همین سبب باعث گشایش درهای روزی به روی گاو.

### نتیجه‌گیری

مهر اگر چه در مهر یشت / اوستا جایگاه بلندی دارد، اما برابر با مرتبه بالای میتره در ود/ نیست. در مهر یشت بسیاری از توانایی‌های اوشس به مهر و در گاهان بسیاری از خویشکاری‌های میتره ودایی به مزدا منتقل شده است.

در مهر یشت، مهر با روز و روشنایی ارتباط دارد. او دانا، همه‌آگاه و همیشه بیدار است. او سرچشمه علم حضوری و هدایت‌کننده است. اگر چه ارتباط مهر با گاو در مهر یشت کاملاً مشخص نیست اما حضور گاو نالان یسن ۲۹ و نیز استفاده از گرز گاو سر آیینی در مراسم تشریف به عنوان نمادی از گرز مهر می‌تواند بیانگر ارتباط مهر با گاو در دوره‌های پیشین باشد. همچنین در ود/ نیز از رمز گاو به عنوان نمادی از انوار نور استفاده شده است.

در گاهان به گاو نری بر می‌خوریم که رهبری روزها را بر عهده دارد. او نخستین انوار خورشید است و به صورت شخصیت یافته ظاهر می‌شود. آن گاوها رهبران بینش نیکاند و طلوع آنها بر ناحیه یا سرزمین رمزی از طلوع اندیشه و خرد است. تشبیه گاو نر به انوار خورشید در ود/ نیز سابقه دارد. بلافاصله بعد از توضیح درباره گاو نر واژه «میثره» ظاهر می‌شود. این واژه به معنی «پیمان» به کار رفته است اما چون صورت شخصیت یافته مهر نیست، شاید تنها اشاره‌ای کوتاه است برای یادآوری ارتباط بین گاو و مهر علی‌رغم معنی واژگانی آن.

چنانچه این مطالب را در کنار هم قرار دهیم می‌توانیم شباهت مفهومی زیادی بین «گاو نر رهبر روزها» در گاهان با خصوصیات و شخصیت «مهر» در مهر یشت بیابیم. اگر چه در مهر یشت مهر از مرتبه والاتری برخوردار است، اما در گاهان این توصیف می‌تواند صورت رمزی برای مهر باشد که همانند مهر در مرتبه‌ای والا، اما متفاوت از عناصر تقدیس شده دیگر چون امشاسپندان، در نظر گرفته شده است. با این توصیف چنانچه «گاو رهبر روزها» همان «مهر» باشد، مهر در گاهان یکی از عناصر نیک و مقدس است که به باور زردشت سد کنندگان راه او از جمله دروندان‌اند.

### کتابنامه

- Alikhani, B. (2003). Suhrawardi and Mihr Yazad. *Journal of Human Sciences*, -(36), 1-14. SID. <https://sid.ir/paper/66792/en>
- Alikhani, B. (in press). *The description of Mēhr Yašt*. Iranian Institute of Philosophy.
- Boyce, M. (1969). On Mithra's part in Zoroastrianism. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 32(1), 10-34. <http://www.jstor.org/stable/613386>

- Boyce, Mary. 1975. *A history of Zoroastrianism* (Vol. 1). Brill.
- Boyce, m. & Gershevtich, I. (Eds.), *W. B. Henning Memorial Volume* (pp. 245-255). Lund Humphries.
- Duchesne-Guillemin, J. (1996). Religion of ancient Iran. (R. Monajem Trans.). Fekre Rouz. (Original work published 1973) [In Persian]
- Dumézil, G. (1940). *Mitra Varuna an essay on two Indo European representations of sovereignty*. Zone book.
- Dumézil, Georges. (1976). *The Vedic Mitra: A résumé of theses and references* (S. Caporn & R. L. Gordon. Trans.; PP. 26-35). Collège de France.
- Gherchevitch, I. (1967). *The Avestan Hymn to Mithra (with an Introduction Translation and Commentary)*. Cambridge University Press
- Gonda, J. (1975). Mitra in India. In J. R. Hinnells (Ed.). *Mithraic Studies*. (Vol. 1, pp. 40-52). Manchester University Press.
- Humbach, H. (1960). Der iranische Mithra als Daiva. *Paideuma*, 7(4/6), 253–257. <http://www.jstor.org/stable/40341306>
- Humbach, H. (1991). *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan texts* (Vol. 1, 2). Universitätsverlag.
- Insler, S. (1975). *The Gāthās of Zarathushtra*. *Acta Iranica* (Vol.8). Brill
- Jalali-Nāini, M. R. (Ed. & Trans.). (1994). *Selected hymns of Rig-Veda* (3rd ed.). Noghreh. (In Persian).
- Kellens, J. & Pirart, E. (1990). *Les textes vieil Avestiques* (Vol. 2). Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Lentz, W. (1970). The social functions of the Old Iranian Mithra. In M. Boyce & I. Gershevtich (Eds.), *W. B. Henning Memorial Volume*. (pp. 245-255). Lund Humphries.
- Macdonell, A. A. (1917). *A Vedic reader for students*. Clarendon Press.
- Monier-Williams, M. (1899). *A Sanskrit English dictionary*. Motilal Banarsidass Publishers.
- Nyberg, H. s. (2003). *Die religionen des alten Iran* (S. Najmabadi Trans.). Shahid Bahonar Kerman University. (Original work published 1938) [In Persian].
- Schmidt, H.-P. (2020). Mithra in old Indian and Mithra in Old Iranian. *Encyclopaedia Iranica Online*. Retrived January 22, 2024 from [http://dx.doi.org/10.1163/2330-4804\\_EIRO\\_COM\\_11235](http://dx.doi.org/10.1163/2330-4804_EIRO_COM_11235)
- Thieme, P. (1957). *Mitra and Aryaman*. Cunnecticut Academy of Arts and Sciences.
- Thieme, P. (1975). The concept of Mitra in Aryan belief. In J. R. Hinnells (Ed.). *Mithraic Studies* (Vol. 1, pp. 21-39). Manchester University Press.